

عیسی بر روی صلیب کشته شد - لوقا ۲۳: ۳۲-۴۹

ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

عیسی بر روی صلیب کشته شد - لوقا ۲۳: ۳۲-۴۹

۳۲ دو جنایتکار هم برای مصلوب شدن با او بودند. ۳۳ و وقتی به محلی موسوم به «کاسه سر» رسیدند، او را در آنجا به صلیب میخکوب کردند. آن جنایتکاران را هم با او مصلوب نمودند، یکی را در سمت راست و دیگری را در سمت چپ او. ۳۴ عیسی گفت: «ای پدر، اینها را ببخش زیرا نمی دانند چه می کنند.» بالای لباس های او قرعه انداخته میان خود تقسیم کردند. ۳۵ مردم ایستاده تماشا می کردند و رؤسای آنها با ریشخند می گفتند: «دیگران را نجات داد. اگر این مرد مسیح و برگزیده خدا است، حالا خودش را نجات دهد.» ۳۶ عساکر هم او را مسخره کردند و پیش آمده سرکه خود را به او تعارف کردند ۳۷ و گفتند: «اگر تو پادشاه یهودیان هستی خود را نجات بده.» ۳۸ در بالای سر او نوشته شده بود: «پادشاه یهودیان.» ۳۹ یکی از آن جنایتکار که به صلیب آویخته شده بود با ریشخند به او می گفت: «مگر تو مسیح نیستی؟ خودت و ما را نجات بده.» ۴۰ اما آن دیگری با ملامت به اولی جواب داد: «از خدا نمی ترسی؟ سر تو و او یک قسم حکم شده است. ۴۱ در مورد ما منصفانه عمل شده، چون ما به سزای اعمال خود می رسیم، اما این مرد هیچ خطایی نکرده است.» ۴۲ و گفت: «ای عیسی، وقتی به پادشاهی خود رسیدی مرا به یاد داشته باش.» ۴۳ عیسی جواب داد: «خاطر جمع باش، امروز با من در فردوس خواهی بود.» ۴۴ تقریباً ظهر بود، که تاریکی تمام آن سرزمین را فراگرفت و تا ساعت سه بعد از ظهر آفتاب گرفته شده بود ۴۵ و پرده عبادتگاه دو تکه شد. ۴۶ عیسی با فریاد بلند گفت: «ای پدر، روح خود را به تو می سپارم.» این را گفت و جان داد. ۴۷ وقتی صاحب منصبی که مسئول نگهداری بود این جریان را دید خدا را حمد کرد و گفت: «در واقع این مرد بی گناه بود.» ۴۸ جمعیتی که برای تماشا گرد آمده بودند وقتی ماجرا را دیدند، سینه زنان به خانه های خود برگشتند. ۴۹ آشنایان عیسی و زنانی که از جلیل همراه او آمده بودند همگی در فاصله دوری ایستاده بودند و جریان را می دیدند.

پرسن کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟
این برای شما چه معنای دارد؟
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.